



بررسی تاثیر اندازه و کیفیت دولت بر رشد اقتصادی در ایران به روش همجمعی ARDL^۱

اکبر کمیجانی^۲ - کامبیز هزبر کیانی^۳ - هادی حق شناس^۴

تاریخ دریافت: ۹۲/۹/۹ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۱/۲

چکیده

رابطه بین اندازه دولت و کیفیت دولت با رشد اقتصادی طی چند دهه اخیر به عنوان یکی از موضوعات مورد توجه اقتصاددانان بوده و دیدگاهها و نظرات متفاوتی در این خصوص مطرح شده است. در این مقاله بررسی ارتباط بین این دو متغیر با رشد اقتصادی در ایران در دو دوره کوتاهمدت و بلندمدت طی سالهای ۱۳۶۸ الی ۱۳۹۱ با استفاده از الگوی خودبازگشت با وقفه‌های توزیعی (ARDL) مدنظر قرار گرفته است. برای این منظور، شاخص اندازه دولت به صورت نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی تعریف شده است. نتایج حاکی از این است که اندازه دولت در دو دوره بلندمدت و کوتاهمدت اثر مثبت و معنی داری بر رشد اقتصادی ایران دارد. لیکن، میزان اثرگذاری اندازه دولت در دوره بلندمدت بیش از تاثیرات کوتاهمدت است. شاخص حکمرانی خوب که به عنوان متغیر پراکسی برای کیفیت دولت در نظر گرفته شده است، تاثیر مثبت و معنی داری بر رشد اقتصادی ایران به خصوص در دوره بلندمدت دارد. این یافته‌ها لزوم توجه سیاستگذاران و مسئولین امر جهت برنامه‌ریزی بلندمدت در خصوص اندازه دولت را انعکاس می‌دهد.

طبقه‌بندی JEL: E58, O26

واژگان کلیدی: اندازه دولت، شاخص حکمرانی خوب، رشد اقتصادی، روش ARDL

^۱ این مقاله برگرفته از رساله دوره دکتری رشته اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران می‌باشد.

^۲ استاد گروه اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه اقتصاد، تهران، ایران komijani@ut.ac.ir

^۳ استاد گروه اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه اقتصاد، تهران، ایران khkiani@yahoo.com

^۴ دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران hadihagh@yahoo.com (مسئول مکاتبات)

۱- مقدمه

آیا کیفیت دولت در اقتصاد ایران تاثیر دارد؟ برای اقتصاد ایران بررسی شود.

ساماندهی مقاله حاضر بدین نحو است که بعد از مقدمه، ادبیات موضوع و سپس مطالعات تجربی ارائه شده است. در بخش چهارم مدل و متغیرهای مدنظر معرفی و در بخش پنجم متدولوژی الگوی خودتوضیح برداری با وقفه‌های گسترده (ARDL) و آزمون‌های مربوطه تشریح شده است. در بخش ششم مدل‌های تجربی و نتایج برآورد مدل‌های مورد استفاده ارائه شدند. در نهایت، بخش ششم به نتیجه‌گیری اختصاص یافته است.

۲. ادبیات موضوع

۱-۲. دولت و نقش آن در اقتصاد

دولت، وظایف و عملکرد آن به عنوان مهمترین ابزار قبضه قدرت و حیاتی‌ترین عنصر شبکه حکومتی، همواره مطمح نظر اندیشمندان علوم مختلف است. دولت (حاکمیت) از ضروری‌ترین، قدیمی‌ترین، فراگیرترین، تکامل یافته‌ترین نهادهای بشری است که حضور فعال آن در طول تاریخ زندگی اجتماعی انسان روشن است. نقش صحیح، اندازه مناسب و کیفیت دولت، به عنوان بحثی جدال انگیز بین اقتصاددانان و دولت‌مدان از دوره کلاسیک‌ها شروع شده است و طی قرن گذشته بارها دستخوش تغییر و بازنگری قرار گرفته است. به طوریکه این تغییر نگرش‌ها منجر به تغییر وظایف و مسئولیت‌های محول شده به دولت و به دنبال آن تغییر در اندازه و ترکیب مخارج دولت گردید. تا قبل از دهه ۱۹۳۰ میلادی دو نگرش دولت حداقل (مکاتب فیزیوکرات و کلاسیک) و نگرش دولت حداکثر (مارکسیست‌ها و سوسیالیست‌ها) در خصوص حضور دولت در اقتصاد وجود داشت. از دهه ۱۹۳۰ به بعد نقش‌هایی همچون دولت مختلط، دولت‌های رفاه شکل گرفتند. پس از جنگ جهانی دوم و با گسترش سیستم‌های اجتماعی نقش دولت‌ها به دلیل برقراری و بهبود امنیت اقتصادی و اجتماعی بیشتر گردید و نتایج این دخالت‌های دولت، رشدی قابل توجه در دهه ۶۰ و ۷۰ در کشورهای صنعتی بود. دهه ۱۹۸۰ نوعی چرخش عقیده‌ای علیه دولت صورت گرفت، مبنی بر اینکه دولت در حوزه اقتصادی نسبت به بخش خصوصی کارایی کمتری دارد. بنابراین از اواخر این دهه نقش دولت در اقتصاد رو به کاهش نهاد و قضیه خصوصی‌سازی به شکلی فراگیر مطرح شد و مسائل تعدیل ساختاری و آزادی تجارت به طور جدیتری دنبال شد.^۴

در اواسط دهه ۹۰ و پس از آزمون و شکست هر یک از دو رویکرد توسعه دولت محور و توسعه بازار محور، رویکرد جدیدی تحت عنوان دولت موافق بازار ظهور نمود. این اندیشه نوین ضمن انتقاد از دیدگاه‌های پیشین، نه تنها جایگاه دولت و بازار را در مقابل یکدیگر ندیده بلکه برای آن دو نقش مکملی قائل است و دولت را

از هنگامی که بررسی مسائل توسعه در کشورهای جهان به یکی از موضوعات مورد توجه اقتصاددانان مبدل شد، رشد اقتصادی (رشد تولید ناخالص داخلی) به عنوان بهترین شاخص رشد و توسعه اقتصادی کشورها مقبولیت عام یافت. از این رو به مدت بیش از دو قرن در میان مکاتب اقتصادی به ویژه مکاتب کلاسیک و نئوکلاسیک، نیروی کار و سرمایه فیزیکی به عنوان عوامل موثر بر رشد اقتصادی شناخته می‌شدند. اما با مطرح شدن تئوری‌های رشد درونزا در ادبیات اقتصادی، طیف گسترده‌ای از عوامل تاثیرگذار بر رشد اقتصادی از جمله انباشت دانش، سرمایه‌های انسانی، سرمایه‌های اجتماعی، اندازه و کیفیت دولت که به شاخص‌های نهادی معروفند در کنار سرمایه‌های فیزیکی و نیروی کار معرفی گردیدند.^۱

اندازه و کیفیت دولت از جمله متغیرهای مهمی هستند که تاثیر آن بر رشد اقتصادی در بسیاری از مطالعات تاکید شده است. با این وجود، ارتباط میان اندازه و کیفیت دولت با رشد اقتصادی در نظریه‌های اقتصادی چندان روشن نیست. شواهدی از عملکرد چند دهه اخیر برخی اقتصادهای توسعه یافته و در حال توسعه نشان می‌دهد، فراتر رفتن اندازه دولت از حدود مورد نیاز برای ارائه خدمات پایه‌ای، به کاهش رشد اقتصادی منجر می‌شود. با این حال، در موارد شکست بازار (آثار خارجی منفی و ارائه کالاهای عمومی)، نمی‌توان از وظایف مهم دولت مانند ایجاد زیرساخت‌های نهادی و قانونی، باز توزیع درآمد و ثروت و ارائه کالاهای عمومی چشم پوشی کرد. از طرف دیگر هیچ تضمینی وجود ندارد که کوچک بودن یک دولت که از عهده اجرای کارآمد وظایف اصلی خود ناتوان است، منجر به افزایش رشد اقتصادی شود. به ویژه در بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته این مساله مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر، دولت با اجرای کارآمد وظایف خود می‌تواند نقش مهمی در توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه ایفا کند، در عین حال، با افزایش اندازه دولت و مداخلات و تصدی‌گری‌های نادرست آن در اقتصاد، موجبات تخصیص ناکارآمد منابع عمومی جامعه فراهم شده و باعث اختلال در عملکرد سیستم بازار و کاهش رفاه اجتماعی می‌گردد.^۲

در ادبیات تئوریک علت نتیجه‌گیری‌های متفاوت به ساختار و حجم فعالیت‌های دولت، ویژگی‌های مکانیسم اقتصادی و غیره در کشورهای مختلف نسبت داده می‌شود.^۳ تناقض در نتایج مطالعات انجام شده نیز بیانگر این نکته مهم است که نمی‌توان یک قانون و قاعده کلی برای رابطه بین اندازه و کیفیت دولت و رشد اقتصادی در کشورهای مختلف ارائه داد و یا اینکه در مورد تاثیر اندازه و کیفیت دولت بر رشد اقتصادی نمی‌توان از پیش نتیجه‌ای را مسلم فرض کرد. لذا در این مقاله سعی شده است، به سوالاتی نظیر اینکه آیا اندازه دولت بر رشد اقتصادی تاثیر دارد؟ و

۲-۲. دولت و رشد اقتصادی

دولت یکی از بخش‌های مهم اقتصادی در هر کشور به شمار می‌رود که در کنار نقش هدایت کننده در اقتصاد، در زمینه‌های تولیدی نیز نقش عمده‌ای ایفا می‌نماید. فعالیت‌های دولت می‌تواند بر تولید بخش خصوصی و در نهایت تولید کل اقتصاد، اثرات مثبت و منفی داشته باشد. نقش دولت در قالب وضع قوانین، ایجاد امنیت اقتصادی و اجتماعی، زمینه‌های لازم برای تولید را فراهم می‌نماید. همچنین، افزایش بیش از اندازه دولت و دخالت آن در اقتصاد نیز می‌تواند بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و در نتیجه تولید کل اقتصاد، از طریق جانشینی جبری^۸ اثر منفی داشته باشد.^۹

برای بیان اثر اندازه و کیفیت دولت بر رشد اقتصادی مدل‌های تئوریک گوناگونی ارائه شده است، ولی این مطالعات به نتیجه واحد نرسیده‌اند. در این بین برخی از مطالعات وجود رابطه مثبت یا منفی میان اندازه دولت و رشد اقتصادی را تأیید می‌کنند و برخی دیگر نیز به عدم وجود رابطه بین دو متغیر تأکید دارند. در مقابل برخی دیگر از مطالعات به وجود هر سه حالت در شرایط مختلف اقتصادی اذعان می‌کنند. مطالعات تجربی بسیاری نیز برای آزمون مدل‌های تئوریک، در کشورهای مختلف و در دوره‌های زمانی متفاوت صورت گرفته است. مطالعات تجربی صورت گرفته نیز یک نتیجه مشخص و یکسان را حاصل نکرده‌اند.^{۱۰} با این حال، انتظار می‌رود که دولت با ایجاد زیرساخت‌های لازم و

نهادی اجتماعی و نهادساز معرفی می‌کند که قادر است با ایجاد نهادهای کارآمد و توانمند، محیطی مناسب برای تنظیم روابط اقتصادی افراد جامعه به گونه‌ای کم هزینه، ساده و به دور از اتلاف وقت مهیا سازد و از این رهگذر به عنوان دست یاری دهنده بازار موجبات رشد اقتصادی را فراهم نماید.

ویلیام سون اولین نظریه پرداز بود که در سال ۱۹۷۹ دولت موافق بازار را مطرح نمود. پس از وی، سیاست‌گذاران اقتصادی مانند بانک جهانی، برنامه عمران سازمان ملل و صندوق بین‌المللی پول با تاسی از نظریه ویلیام سون، «حکمرانی خوب یا حکمرانی مطلوب»^۵ را به منظور دستیابی به الگوی دموکراتیک اداره جامعه با مشارکت سه بخش دولتی، خصوصی و جامعه مدنی از یک سو و تقویت بخش خصوصی، استقرار و نهادینه‌سازی جامعه مدنی در کشورهای مختلف به ویژه کشورهای در حال توسعه با هدف دستیابی به توسعه پایدار انسانی که در آن بر کاهش فقر، ایجاد شغل و رفاه پایدار، حفاظت و تجدید حیات محیط زیست و رشد و توسعه زنان از سوی دیگر، مطرح نمودند. در این نگرش مدیریت دولتی نوین، دولت مدیریتی، دولت کار آفرین و دولت خوب در اداره امور عمومی جایگزین نگرش نظام اداری و بوروکراتیک سنتی می‌گردد و لازمه برقراری آن در جامعه عمل تعاملی سه بخش دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی است.^۶

در یک ارزیابی کلی از مکاتب مختلف اقتصادی، می‌توان گفت که بسیاری از مکاتب به نوعی به مداخله دولت اعتقاد دارند و تنها اختلاف میان آنها در حوزه این مداخلات است. در جدول شماره (۱) انواع شکست بازار و حوزه مداخلات دولت به لحاظ دیدگاه مکاتب مختلف اقتصاد کلان مقایسه شده‌اند که می‌تواند مبنای ارزیابی مقایسه‌ای میان این مکاتب قرار گیرد.^۷

جدول شماره (۱) دیدگاه مکاتب مختلف اقتصادی در خصوص نوع و حوزه مداخله دولت

نوع و حوزه مداخله دولت	حوزه مداخله دولت			مکاتب	
	اهداف اجتماعی	اشتغال منابع	تخصیص منابع	مخالفتین	مداخله مستقیم دولت
عدم دخالت دولت	×	×	×	اتریش	مخالفتین مداخله مستقیم دولت
عدم دخالت دولت	×	×	×	نئوکلاسیک‌های لیبرال (پولیون)	
هر جا که رقابت به خطر افتد	×	×	√	نئولیبرال	دیدگاه بینابین
مالکیت عمومی انحصارات طبیعی	×	×	√	کلاسیک	
سیاست‌های اقتصاد کلان در دوران کمبود تقاضای موثر	× ^{۱۱}	√	×	کینزین	موافقین مداخله مستقیم دولت
سیاست‌های اقتصاد کلان در صورت نیاز به این سیاست‌ها و برقراری مالیت در صورت وجود پیامدهای جنبی	√	√	√	نئوکلاسیک‌های رفاه	
جبران شکست‌های بازار از طریق نهادسازی (وضع قوانین، اعمال مقررات تنظیمی، ایجاد سازمان‌هایی در جهت حمایت از نهادهای سیاسی)	√	√	√	نهادگرایان	
برقراری مالکیت اجتماعی در همه جا	√	√	√	سوسیالیسم	

ماخذ: حسینی، شمس الدین و همکاران (۱۳۹۲)

بی ثباتی سیاسی و خشونت کمتر باشد، حکمرانی در آن جامعه برای رسیدن به توسعه اقتصادی مناسبتر خواهد بود.^{۱۳}

پیش از طرح چارچوب‌های نظری پیرامون ارتباط میان مولفه‌های حکمرانی خوب و رشد اقتصادی، باید کیفیت حکمرانی را براساس روشی سنجید. این کار از طریق نظرسنجی از مردم، شهروندان، بنگاه‌ها، مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، مدیران و مأموران دولتی و ... انجام می‌گیرد.^{۱۴}

از آنجا که در این مقاله تعریف حکمرانی خوب براساس تعریف بانک جهانی مدنظر است، برای سنجش آن نیز شش شاخص ارائه شده توسط بانک جهانی مورد استفاده قرار گرفته است که به طور خلاصه در جدول (۲) آمده است. شایان ذکر است، از آنجا که بانک جهانی برای کیفیت حکمرانی شاخص عددی محاسبه نکرده است، در این مطالعه میانگین ساده حسابی شش شاخص حکمرانی خوب در جدول (۲) به عنوان شاخص کیفیت دولت محاسبه شده است.

۲-۴. حکمرانی خوب و رشد اقتصادی

حکمرانی خوب از طریق ایجاد ساختار انگیزشی مناسب نااطمینانی را در اقتصاد کاهش داده و از این رهگذر با افزایش کارایی به رشد اقتصادی بالاتر می‌انجامد. در ادامه به برخی از مهمترین کانال‌های ارتباطی میان مؤلفه‌های حکمرانی خوب و رشد اقتصادی ارائه شده است.

۱. آزادی‌های قانونی و انتشار آزاد اطلاعات که مصادیقی از وجود حق اظهارنظر و پاسخگویی هستند، موجب تقویت آگاهی‌های عمومی و شفافیت اقتصادی و اجتماعی می‌شوند. این امر هزینه‌های کسب و کار را کاهش داده و از این رهگذر منجر به توسعه کسب و کار، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی می‌شود.

۲. بدیهی درگیری‌های جناحی، نزاعهای داخلی، ترور، کودتا و پدیده‌هایی مانند آن با از بین بردن ثبات سیاسی موجب افزایش ریسک و نااطمینانی در فضای اقتصادی یک کشور می‌گردد و از این رهگذر موجب کاهش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و به تبع آن کاهش رشد اقتصادی می‌شود.

۳. اثربخشی دولت در واقع به معنای توانایی دولت در تدوین و اجرای سیاست‌های صحیح است که لازمه آن برخورداری از یک دستگاه اداری کارآمد می‌باشد. یک دستگاه اداری کارآمد با بوروکراسی‌های شایسته

ارائه مطلوب و کارآمد خدمات پایه به رشد اقتصادی کمک نماید. شواهدی از عملکرد چند دهه اخیر برخی اقتصادهای توسعه یافته و در حال توسعه در دست است که نشان می‌دهد فراتر رفتن اندازه دولت از حدود مورد نیاز برای ارائه خدمات پایه‌ای، به کاهش رشد اقتصادی منجر می‌شود. با این حال، در موارد شکست بازار (آثار خارجی منفی و ارائه کالاهای عمومی، نمی‌توان از وظایف مهم دولت مانند ایجاد زیرساخت‌های نهادی و قانونی، باز توزیع درآمد و ثروت و ارائه کالاهای عمومی چشم‌پوشی کرد. سه دلیل اصلی برای تاثیرگذاری منفی بزرگ شدن بیش از اندازه دولت بر رشد اقتصادی ذکر می‌شود:

الف) افزایش مالیات‌ها و استقراض بیشتر دولت برای تامین مالی هزینه‌های دولت بزرگ‌تر، موجب کاهش منابع مالی و نیز کاهش انگیزه بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری، قبول ریسک و فعالیت‌های با بهره‌وری بالاتر می‌شود.

ب) بازدهی نزولی در فعالیت‌های دولت بزرگ‌تر، موجب تخصیص غیربهبینه و اتلاف بخشی از منابع موجود در اقتصاد می‌شود.

ج) واکنش کندتر بخش عمومی نسبت به بخش خصوصی برای جبران اشتباهات، انطباق با تغییرات محیط فعالیت، دریافت اطلاعات جدید و استفاده از نوآوری‌ها نیز کاهش رشد اقتصادی را به دنبال دارد.^{۱۵}

۲-۳. حکمرانی خوب و شاخص‌های اندازه‌گیری

در این مقاله برای سنجش کیفیت دولت از شاخص حکمرانی خوب معرفی شده توسط بانک جهانی استفاده شده است. حکمرانی خوب مفهوم بسیار گسترده‌ای را در بر می‌گیرد که محصول مشارکت سه نهاد دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی است. دولت محیط سیاسی و حقوقی را به وجود می‌آورد، بخش خصوصی اشتغال و درآمد را پدید می‌آورد و جامعه مدنی تعامل سیاسی و اجتماعی گروه‌های فعال برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را تسهیل می‌کند.

حکمرانی خوب روایت گر توسعه انسان محور است و اولین مرجعی معتبری که در این زمینه مباحثی را مطرح نموده، بانک جهانی می‌باشد. طبق تعریف بانک جهانی، حکمرانی خوب روشی است که براساس آن قدرت بر مدیریت اقتصادی یک کشور و منابع اجتماعی آن برای رسیدن به توسعه اعمال می‌شود. در این تعریف هر قدر ویژگی‌های مثبت مانند حاکمیت قانون، پاسخگویی و اثر بخشی دولت در یک جامعه بیشتر و فساد، مقررات اضافی،

جدول (۲). شاخص‌های حکمرانی خوب

ردیف	شاخص‌های اصلی	ملاک‌ها و معیارهای اندازه‌گیری	ردیف	شاخص‌های اصلی	ملاک‌ها و معیارهای اندازه‌گیری
۱	حق اظهارنظر و پاسخگویی	تغییر منظم حکومت‌ها نظام حقوقی شفاف و عادلانه توزیع برابر فرصت‌ها مقدار نظامی‌های کشور میزان اطلاعات صاحبان کسب و کار تغییر در قوانین و رویه‌ها	۴	کیفیت مقررات تنظیمی	مداخله دولت در اقتصاد کنترل قیمت‌ها و دستمزدها موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای مداخله دولت در نظام‌های مالی مقررات دست و پاگیر صادرات و واردات محدودیت دولتی برای تأسیس بنگاه‌های جدید
۲	ثبات سیاسی و عدم خشونت	آشوب‌های شهری کودتا ترورها و اعدام‌های سیاسی تنش‌های قومی قطبی‌شدن طیف‌های سیاسی نزاع‌های اجتماعی و اعتصاب‌ها	۵	حاکمیت قانون	هزینه‌های جرم و جنایت و ربودن خارجی‌ها فساد در نظام بانکی و گستردگی بازار سیاه اعتماد مردم به مسئولان در حفظ دارایی‌ها توانایی اقامه دعوا بر علیه حکومت اعتماد به نظام قضایی استقلال نظام قضایی از سایر قوا سرقت از کسب و کار کارایی نیروهای ایمنی برای ایجاد امنیت
۳	اثربخشی دولت	سیاست‌گذاری به نفع کسب کارایی نهادهای دولتی کیفیت کارکنان دولت توانایی دولت در اجرای برنامه‌های خود استقلال استخدام و خدمات کشوری از فشارهای سیاسی کیفیت خدمات عمومی	۶	مبارزه با فساد	فساد در میان مقامات رسمی فساد در میان مدیران ارشد ذهنیت نسبت به فساد فساد در خدمات عمومی فراوانی فساد در مقامات عمومی پرداخت رشوه و ...

ماخذ: برادران شرکا و ملک الساداتی

دولتی که فعالیت‌های اقتصادی را مختل می‌کند و وجود نظام قضایی قابل پیش‌بینی و منصف تأمین شود. ۶. تضمین حقوق مالکیت و حسن اجرای قراردادها کلیدی برای هدایت صحیح منابع به سرمایه‌گذاری‌های مولد و جلوگیری از اتلاف آن در فعالیت‌های رانت جوینان است و ناتوانی یک جامعه در فراهم آوردن سازوکارهایی برای تضمین قراردادها به شیوه‌های کارآ و کم هزینه، یکی از مهمترین دلایل رکودهای تاریخی و همین‌طور توسعه نیافتگی‌های کشورهای جهان سوم است. وقتی این احتمال وجود دارد که شریک تجاری افراد(که ممکن است دولت نیز باشد) از قراردادها پیروی نکند، میزان ریسک افزایش می‌یابد و گسترش تولید کمتر خواهد بود. ۷. فساد به معنی استفاده از قدرت عمومی در جهت تأمین منافع شخصی یا گروهی آثار زیان باری بر رشد اقتصادی دارد. وجود فساد باعث تخصیص غیر بهینه استعدادهای جامعه می‌گردد. در شرایطی که فساد در جامعه شایع شود افراد جامعه خصوصاً نیروی انسانی با استعداد به جای استفاده از ابتکار و نوآوری خود، سعی می‌کنند از رهگذر پرداخت رشوه و تبانی با مقامات دولتی، اقدام به کسب یک رانت قانونی یا مجوز دولتی نمایند. علاوه بر

می‌توانند به کارآفرینان منفرد کمک کنند تا از پس مشکلات هماهنگی که ممکن است به ویژه در برانگیختن فعالیت‌های جدید حیاتی باشد برآیند. ۴. قوانین و مقررات مطلوب و کارآمد یکی از مهمترین نهادهایی است که می‌تواند بر عملکرد اقتصادی جوامع تأثیر بگذارد. قوانین و مقررات اختلال‌زا در مسیر راه اندازی یک کسب و کار به اشکالی چون مجوزها و موافقت نامه‌های دولتی دست و پاگیر، قوانین و مقررات ناظر بر فعالیت بنگاه‌های خصوصی چون قانون کار، محدودیت‌های تجاری، بار مالیاتی بالا هزینه اولیه پروژه‌های سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد که اگر این هزینه‌ها به اندازه کافی بزرگ باشد، کارآفرینان عقلانی ممکن است از سرمایه‌گذاری دست بکشند. ۵. حاکمیت قانون معرف میزان احترام عمل قائل شده توسط شهروندان و دولتمردان یک کشور برای نهادهایی است که با هدف وضع قوانین، اجرای آنها و حل اختلافات ایجاد شده‌اند. بنابر این تعریف زمانی می‌توان ادعا کرد که در یک جامعه قانون حاکم است که سه شرط یعنی حمایت از افراد در مقابل دزدی، خشونت و دیگر اقدام‌های غارتگری، حمایت در مقابل اقدام‌های خودسرانه

قسمت به چند مطالعه‌ای که از روش ARDL استفاده نمودند، اشاره شده است. رفیعی و زیبایی (۱۳۸۲)^{۳۴} با استفاده از الگوی ARDL و داده‌های سال‌های ۱۳۵۰ الی ۱۳۷۹ به این نتیجه رسیدند که مخارج کل دولت و مخارج سرمایه‌گذاری دولت در بلند مدت بر رشد اقتصادی دارای تأثیر منفی، ولی در کوتاه‌مدت بی اثر است. شفییعی و همکاران (۱۳۸۳)^{۳۵} نیز با استفاده از روش مذکور و داده‌های سال‌های ۱۳۵۰ الی ۱۳۷۹ به این نتیجه رسیدند که مخارج عمرانی اثر مثبت، مالیات‌ها اثر منفی و مخارج جاری هیچ تأثیری بر رشد اقتصادی ندارد. صادقی شاهدانی و دیگران (۱۳۸۸)^{۳۶} نیز با روش ARDL به بررسی اثرات نقش حاکمیتی و تصدی‌گری دولت در اقتصاد پرداختند.

۴. تصریح مدل و متغیرهای مدل

مدل پایه برای بررسی رابطه تئوریک میان اندازه دولت و رشد اقتصادی مبتنی بر رهیافت اروشا کوری (۲۰۰۹)^{۳۷} است که تعمیمی از مدل منکیو-رومر و وایل (MRW)^{۳۸} تصریح شده است:

(۱)

$$y_t = Ak_t^\alpha h_t^\beta (g_t e^{\mu\theta})^\gamma$$

رابطه (۱) در واقع تابع تولید به صورت کاب داگلاس تعمیم یافته است که ترکیبی از موجودی سرمایه (k_t)، موجودی سرمایه انسانی (h_t)، کل مخارج دولت (g_t) و کارایی فنی و تکنولوژیکی (A) است. در این تابع تمامی متغیرها به صورت سرانه در نظر گرفته شدند و به نقش کلیدی سرمایه‌های انسانی در نرخ رشد بلندمدت توجه شده است. علاوه بر این، θ در این رابطه، شاخص کیفیت دولت یا همان حاکمیت خوب است.

با گرفتن لگاریتم طبیعی از طرفین رابطه (۱) می‌توان حالت خطی مدل مذکور را به صورت زیر نوشت:

(۲)

$$\ln\left(\frac{Y_t}{L_t}\right) = \ln(A) + \alpha \ln\left(\frac{K_t}{L_t}\right) + \beta \ln\left(\frac{H_t}{L_t}\right) + \gamma \ln\left(\frac{G_t}{L_t}\right) + \gamma \mu \theta$$

$$\ln(A) = \bar{A}; \alpha_1 = \alpha; \alpha_2 = \beta; \alpha_3 = \gamma; \alpha_4 = \gamma \mu$$

نکته قابل ذکر این است که در تحقیق حاضر بررسی عوامل موثر بر رشد اقتصادی در شرایط تعادل یکنواخت انجام می‌گیرد. لذا، اگر درآمد (تولید سرانه) به ترتیب به

موجودی سرمایه فیزیکی ($S_K = \frac{K}{GDP}$)، موجودی

سرمایه انسانی ($S_H = \frac{H}{GDP}$) و مخارج دولت)

این وجود فساد، جذابیت‌های اقتصاد را برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی کاهش داده و بنگاه‌های دولتی را به سمت فعالیت‌های غیر رسمی که عمدتاً با پرداخت کمتر مالیات به دولت همراه است سوق می‌دهد. بنابراین وجود فساد قادر است درآمدهای مالیاتی دولت‌ها را کاهش داده و از این طریق دولت‌ها را در اجرای وظایف خود که همانا ارائه خدمات زیربنایی و کالاهای عمومی مؤثر در فرآیند تولید است، ناتوان سازد.^{۱۵}

۳. مطالعات تجربی

در ادبیات تجربی مطالعات زیادی به بررسی اندازه و کیفیت دولت بر رشد اقتصادی پرداختند. از جمله این مطالعات می‌توان به آثار رام (۱۹۸۶)^{۱۶}، کورمندی و مگوئر (۱۹۸۶)^{۱۷}، کر (۱۹۸۹)^{۱۸}، کشین (۱۹۹۳)^{۱۹}، لین (۱۹۹۴)^{۲۰}، نورزاد (۲۰۰۰)^{۲۱} اشاره کرد که در تمامی آنها تأثیر مثبت اندازه و کیفیت دولت بر رشد اقتصادی نشان داده شده است. همچنین نتیجه مطالعه بارو (۱۹۹۱) در ۹۸ کشور توسعه یافته و در حال توسعه نشان می‌دهد که طی دوره ۸۵-۱۹۶۰، رابطه مثبت اما ناچیز بین سرمایه‌گذاری عمومی و رشد اقتصادی وجود دارد.^{۲۲} بنا به نظر بارو کیفیت و اندازه‌های مختلف دولت از دو طریق افزایش مالیات‌ها و افزایش هزینه‌های بهره‌وری سرمایه بر رشد اقتصادی مؤثر است. افزایش مالیات‌ها از طریق اثرات ضد انگیزشی^{۲۳} منجر به کاهش رشد اقتصادی می‌گردد. اما در مقابل افزایش مخارج دولتی هزینه‌های بهره‌وری نهایی سرمایه را در بخش خصوصی و بخش دولتی افزایش می‌دهد.^{۲۴}

کوری نیز بیان می‌کند که یک دولت بزرگ‌تر با ارائه کالاهای عمومی و تصحیح شکست بازار منجر به افزایش سرمایه‌گذاری و اشتغال و بالطبع افزایش تقاضای کل و در نهایت سرعت بخشیدن به رشد اقتصادی می‌گردد.^{۲۵} ایسترلی و روبلو (۱۹۹۳) نیز ارتباط مثبت بین سرمایه‌گذاری دولتی (به ویژه در حمل و نقل و ارتباطات) و رشد اقتصادی ثابت نموده‌اند.^{۲۶} میردال (۱۹۶۰) تأکید می‌نماید که دخالت بیشتر دولت در اقتصاد به منظور کاهش نابرابری اجتماعی می‌تواند رشد اقتصادی را تقویت کند، زیرا نابرابری اجتماعی فرصت‌های پیش روی افراد کم درآمد جهت استفاده از استعدادها را محدود می‌کند.^{۲۷} در مقابل در بسیاری از مطالعات مانند لاندو (۱۹۸۳)^{۲۸}، کمرون (۱۹۸۲)^{۲۹}، انگن و اسکینر (۱۹۹۱)^{۳۰}، گوئش (۱۹۹۷)^{۳۱}، فولستر و هنسون (۲۰۰۱)^{۳۲}، امیرخلالی (۲۰۰۲)^{۳۳} به این نتیجه رسیدند که به دلیل ناکارآمدی ذاتی در دولت، اندازه بزرگ‌تر از سطح مطلوب و بهینه اثرات منفی بر رشد اقتصادی دارد.

در ایران نیز مطالعات زیادی در زمینه بررسی اندازه و کیفیت دولت بر رشد اقتصادی انجام شده، لیکن در این

(۵)

$$y_t = \alpha_0 + \sum_{i=1}^p \alpha_i y_{t-i} + \sum_{j=0}^q \beta_j x_{t-j} + v_t$$

در این رابطه، متغیر وابسته تابعی از متغیرهای توضیحی و وقفه‌های آنها و مقادیر با وقفه خودش است که می‌توان آن را به شکل زیر بازنویسی کرد:

(۶)

$$A(L)y_t = B(L)x_t + u_t$$

در رابطه (۷)، L عملگر وقفه است که عملگر $A(L)$ به صورت $1 - \alpha_1 L - \alpha_2 L^2 - \dots - \alpha_p L^p$ و عملگر $B(L)$ به صورت $\beta_0 + \beta_1 L + \beta_2 L^2 + \dots + \beta_q L^q$ است.

پسران و شین (۱۹۹۹)^{۴۱} ثابت کردند که اگر بردار همگرایی از به کارگیری روش حداقل مربعات براساس یک رابطه خود بازگشت با وقفه‌های توزیعی که وقفه‌های آن به خوبی تصریح شده باشند، بدست آید، علاوه بر اینکه برآوردگر حداقل توزیع نرمال دارد، در نمونه‌های کوچک از ارباب کمتر و کارایی بیشتری برخوردار خواهد بود.^{۴۲} در کنار این ویژگی، الگوی مذکور وجود رابطه همجمعی بین متغیرهای مدل را نیز آزمون می‌نماید. در این راستا برای اینکه الگوی پویای (۶) به سمت تعادل بلندمدت گرایش داشته باشد، می‌بایست مجموع ضرایب متغیرهای وابسته با وقفه برای $i = 1, 2, \dots, p$ کمتر از یک باشد.

نحوه آزمون همجمعی، یعنی آزمون فرضیه صفر به

$$\text{صورت } H_0 : \sum_{i=1}^p \hat{\alpha}_i - 1 \geq 0 \text{ در این الگو بدین نحو است}$$

که در ابتدا آماره از طریق رابطه (۷) به دست می‌آید:

$$t = \frac{\sum_{i=1}^p \hat{\alpha}_i - 1}{\sum_{i=1}^p SE \hat{\alpha}_i}$$

بعد از محاسبه آماره مذکور، آماره محاسبه شده با کمیت‌های بحرانی ارائه شده توسط بنرجی، دولادو و مستر (۱۹۹۲)^{۴۳} مقایسه می‌گردد. چنانچه مقدار آماره به دست آمده بزرگتر از مقدار بحرانی باشد، در این صورت فرضیه صفر یعنی عدم وجود رابطه همجمعی پذیرفته نمی‌شود. بنابراین با رد فرضیه صفر می‌توان رابطه تعادلی بلندمدت در بین متغیرهای الگو پرداخت که این خود زمینه استفاده از الگوی تصحیح خطا (ECM)^{۴۴} را که در آن نوسانات کوتاه‌مدت متغیرها به مقادیر تعادلی بلندمدت

$$S_G = \left[\frac{G}{GDP} \right]$$

نرخ رشد تولید سرانه در حالت تعادل یکنواخت به صورت زیر خواهد بود:

(۳)

$$\ln \left[\frac{Y_t}{L_t} \right] = a_0 + a_1 \ln \left[\frac{S_K}{n + \theta + \delta} \right] + a_2 \ln \left[\frac{S_H}{n + \theta + \delta} \right] + a_3 \ln \left[\frac{S_G}{n + \theta + \delta} \right] + a_4 \theta + \varepsilon_t$$

در رابطه (۳)، $\left[\frac{Y}{L} \right]$: تولید ناخالص داخلی سرانه،

$$S_G = \left[\frac{G}{GDP} \right]: \text{نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص}$$

$$\text{داخلی، } S_K = \left[\frac{K}{GDP} \right]: \text{نسبت موجودی سرمایه به}$$

$$\text{تولید ناخالص داخلی، } S_H = \left[\frac{H}{GDP} \right]: \text{سهم سرمایه}$$

انسانی از تولید سرانه است. a_4 نیز برابر با $\mu\gamma$ است. در شرایط تعادل یکنواخت یکسری پارامتر شامل نرخ رشد تکنولوژیکی (θ)، نرخ رشد نیروی کار (n) و نرخ استهلاک (δ) نیز وجود دارد.

(۴)

$$\ln(y_t) = a_0 + a_1 \ln[S'_K] + a_2 \ln[S'_H] + a_3 \ln[S'_G] + a_4 \theta + \varepsilon_t$$

براساس مدل (۴)، تغییرات تولید سرانه به انباشت سرمایه، سرمایه انسانی، مخارج دولت یا همان اندازه دولت، کیفیت دولت وابسته است.^{۴۹}

روش تحقیق

استفاده از روش‌های سنتی اقتصادسنجی در مطالعات تجربی مبتنی بر فرض پایایی متغیرها است. بررسی‌های انجام شده در این زمینه نشان دهنده این است که در مورد بسیاری از سری‌های زمانی کلان اقتصادی این فرض برقرار نیست و اغلب این متغیرها ناپایا هستند. بنابراین، طبق نظریه هم انباشتگی در اقتصاد سنجی، ضرورت دارد تا از پایایی متغیرها اطمینان حاصل نماییم. این کار در مقاله حاضر از طریق آزمون دیکی- فولر تعمیم یافته (ADF)^{۴۰} انجام شده است. سپس با استفاده از فرآیند خود توضیح برداری با وقفه‌های گسترده، رابطه بلندمدت و پویایی کوتاه مدت بین اندازه دولت و کیفیت دولت و رشد اقتصادی در ایران بررسی شده است.

روش خود توضیح برداری با وقفه‌های گسترده بر اساس رهیافت پویا، شکل گرفته است و شکل عمومی آن به صورت زیر است:

سالنامه‌های آماری بانک مرکزی و برای بقیه سال‌ها از طریق روزرسانی روش مورد استفاده بانک مرکزی برآورد شده است. نرخ استهلاک نیز در حین برآورد موجودی سرمایه ۶/۱ درصد به دست آمده است. نرخ رشد نیروی کار نیز معادل متوسط نرخ رشد جمعیت فعال در سال‌های مورد بررسی در نظر گرفته شده است. همچنین نسبت خالص ثبت نام دوره متوسطه^{۴۵} به عنوان پراکسی برای سرمایه‌های انسانی در نظر گرفته شده است. به علاوه، به دلیل در دسترس نبودن آمار مربوط به شاخص‌های نشان‌دهنده دانش فنی و تکنولوژی، کارایی تکنولوژی ثابت و نرخ رشد آن صفر در نظر گرفته شده است. برای کیفیت دولت نیز شاخص حکمرانی خوب که به صورت میانگین شش مولفه حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و عدم خشونت، اثربخشی دولت، حاکمیت قانون و کنترل فساد است، به عنوان متغیر توضیحی وارد مدل می‌شود.

۷. برآورد مدل

۷-۱. بررسی پایایی متغیرها

از آنجا که متغیرهای مورد استفاده در الگو به صورت سری‌های زمانی می‌باشند، بنابراین، برای جلوگیری از بروز رگرسیون کاذب در هنگام برآورد الگو، لازم است که در ابتدا متغیرها از نظر پایایی مورد آزمون و درجه همجمعی آنها مشخص گردد^{۴۶} که از آزمون دیکی - فولر تعمیم یافته استفاده شده است و نتایج آن در جدول (۳) آمده است. نتایج جدول شماره (۳) حاکی از این است که شاخص حکمرانی خوب در سطح پایا است و سایر متغیرها در سطح ناپایا هستند اما با یکبار تفاضل گیری پایا می‌شوند. بنابراین، مشاهده می‌شود که درجه جمع‌بستگی متغیرها یکسان نیست، بنابراین می‌توان برای برآورد مدل از الگوی ARDL که برخلاف روش انگل - گرنجر و جوهانسن - جوسیلیوس، به درجه جمع‌بستگی متغیرها وابسته نیست، استفاده کرد.

ارتباط داده می‌شود، فراهم می‌نماید.^{۴۵} در این ارتباط، پسران و شین (۱۹۹۶) در مطالعه خود نشان دادند که از روی ضریب ECM به تنهایی می‌توان درباره وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل تصمیم‌گیری کرد. بدین نحو که اگر ضریب $ecm(-1)$ در مدل برآوردی بین صفر و منفی یک قرار گیرد و از لحاظ آماری معنی دار باشد، آنگاه رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل مربوطه برقرار خواهد بود.^{۴۶} براساس مطالب فوق‌الذکر، برآورد الگوی ARDL یک فرآیند چند مرحله‌ای برای همه ترکیبات ممکن، براساس وقفه‌های متفاوت متغیرهای برآورد شود. حداکثر تعداد وقفه‌ها، توسط پژوهشگر و بر اساس تعداد مشاهدات تعیین می‌گردد. سپس در مرحله بعد، از بین رگرسیون‌های برآورد شده یک رگرسیون بر اساس چهار ضابطه آکائیک، شوارتز - بی‌زین^{۴۷}، حنان - کوئین^{۴۸} و ضریب تعیین^{۴۹} انتخاب می‌شود. در مرحله پایانی، ضرایب مربوط به الگوی بلندمدت، بر اساس الگوی انتخابی ارائه می‌گردد. بعد از این مرحله میتوان در صورت تایید وجود رابطه تعادلی بلندمدت، الگوی تصحیح خطا را نیز برآورد نمود.^{۵۰}

۶. اطلاعات لازم

برای برآورد رابطه (۴) در چارچوب الگوی ARDL از اطلاعات سری زمانی سال‌های ۱۳۶۸ الی ۱۳۹۱ استفاده شده است. لیکن قبل از برآورد بایستی از متغیرهای مورد نیاز و چگونگی استخراج اطلاعات مربوط به هر یک آگاهی داشت. در این ارتباط، برآورد رابطه (۴) مستلزم در اختیار داشتن اطلاعات تولید سرانه، نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی، نسبت سرمایه انسانی به تولید ناخالص داخلی، نسبت موجودی سرمایه انسانی به تولید ناخالص داخلی، کیفیت دولت و همچنین آگاهی از نرخ استهلاک، نرخ رشد دانش فنی و نرخ رشد نیروی کار است. به طوریکه، آمار مربوط به مخارج دولت و تولید از سالنامه آماری بانک مرکزی برای سال‌های ۱۳۶۸ الی ۱۳۸۶ استخراج شده است. موجودی سرمایه نیز برای سال‌های ۱۳۶۸ الی ۱۳۸۶ از

جدول (۳). آزمون دیکی - فولر تعمیم یافته متغیرهای مدل

متغیر	در سطح		تفاضل مرتبه اول	
	آماره بحرانی	آماره آزمون	آماره بحرانی	آماره آزمون
لگاریتم تولید سرانه	-۲/۷۵	۰/۱۷	-۳	-۶/۵
لگاریتم نسبت موجودی سرمایه	-۱/۹۵	۰/۷۶	-۲/۹۹	-۳/۸۴
لگاریتم نسبت سرمایه انسانی	-۲/۶۲	-۱/۷۴	-۳	-۲/۷۹
لگاریتم اندازه دولت	-۲/۹	-۲/۱۵	-۱/۹۵	-۲/۹۳
شاخص حکمرانی خوب	-۳/۶	-۹/۵	-	-

ماخذ: یافته‌های تحقیق

جدول (۴). نتایج حاصل از برآورد ضرایب بلندمدت مدل ARDL

متغیر	عرض از مبدا	لگاریتم نسبت موجودی سرمایه	لگاریتم نسبت سرمایه انسانی	لگاریتم اندازه دولت	شاخص حکمرانی خوب
ضریب	۰/۷۵ (۲/۴۳)	۰/۲۷ (۲/۲۳)	۰/۳ (۲/۱۷)	۰/۱۳ (۶/۹)	۰/۱۱ (۵/۵۸)
				DW=۱/۹۴	R ² =۰/۹۹

ماخذ: یافته‌های تحقیق

۲-۷. برآورد رابطه بلندمدت

براساس روش شناسی، قبل از بحث دربارهٔ رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرهای موجود در الگو لازم است که در ابتدا وجود رابطه همجمعی آزمون شود. برای این منظور در ابتدا مدل (۴) با استفاده از اطلاعات سال‌های ۱۳۶۸ الی ۱۳۹۱ و به روش OLS برای تمامی ترکیبات برآورد شد. وقفه بهینه متغیر وابسته براساس معیار شوارتز-بیزین یک انتخاب شد. اما نکته قابل ذکر این است که قبل از آزمون وجود رابطه همجمعی در ابتدا باید برای اطمینان از صحت و اعتبار الگوی برآورد شده، آزمون‌های تشخیصی لازم انجام شود. کمیت این آزمون‌ها در نرم افزار مایکروفت هنگام برآورد الگو به همراه نتایج برآورد ارائه می‌شود. آماره‌های ضریب لاگرانژ (LM) و F در سطح ۹۵ درصد برای آزمون‌های تشخیصی حاکی از این است که مدل دارای مشکلات خودهمبستگی جملات اختلال، فرم تابعی، نرمال نبودن جملات اختلات و واریانس همسانی نبوده است. بنابراین، براساس آزمون‌های شناختی، اعتبار آماری نتایج حاصل از برآورد مدل در چارچوب الگوی ARDL تایید شده است.

از آن جا که قدرمطلق آماره t محاسبه شده (۵/۱۲-) بزرگتر از کمیت بحرانی ارائه شده توسط بنرجی، دولادو و مستر در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۳/۹۸-) است، لذا فرض عدم وجود رابطه همجمعی رد می‌شود. بنابراین، نتیجه می‌گیریم که یک رابطه تعادلی بلندمدت میان متغیرهای مدل (۴) وجود دارد. ضرایب بلندمدت این مدل به روش ARDL و انتخاب یک وقفه براساس معیار شوارتز بیزین در جدول (۴) آمده است.

با توجه به نتایج جدول (۴)، متغیرهای کلیدی مدل یعنی اندازه دولت و کیفیت دولت از لحاظ آماری معنی دار و تاثیر مثبتی بر تولید در کشور دارند. همچنین ضرایب موجودی سرمایه و سرمایه انسانی نیز به عنوان متغیرهای تاثیرگذار بر رشد اقتصادی از لحاظ آماری معنی دار هستند و افزایش آنها منجر به ارتقاء تولید می‌شود.

۳-۷. برآورد الگوی تصحیح خطای

با استفاده از رابطه تعادلی بلندمدت می‌توان به برآورد روابط کوتاه مدت- که از آن الگوهای تصحیح خطا تعبیر می‌شود -پرداخت. با استفاده از این الگوها می‌توان به نوسانات کوتاه‌مدت متغیرها و ارتباط آنها به مقادیر تعادلی بلندمدت دست یافت. ضرایب برآوردی الگوی تصحیح خطا در جدول (۵) ارائه شده است.

آنچه که در مدل تصحیح خطا مورد توجه است و اهمیت اساسی دارد، ضریب مربوط به $ecm(-1)$ است که سرعت تعدیل فرآیند عدم تعادل را نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود، ضریب تصحیح خطا معادل (۰/۱۹-) و از نظر آماری معنادار می‌باشد.

$$t = \frac{\sum_{i=1}^p \hat{\alpha}_i - 1}{\sum_{i=1}^p SE \hat{\alpha}_i} = \frac{0.3872 - 1}{0.1195} = -5.12$$

جدول (۵). ضرایب برآورد الگوی تصحیح خطا

متغیر	ecm(-1)	لگاریتم نسبت موجودی سرمایه	لگاریتم نسبت سرمایه انسانی	لگاریتم اندازه دولت	شاخص حکمرانی خوب
ضریب	-۰/۱۹ (-۲/۸۶)	۰/۲۷ (۳/۱۶)	۱/۲ (۲/۲۱)	۰/۰۵ (۸/۰۲)	۰/۰۷ (۵/۱۸)
				DW=۱/۵۴	R ² =۰/۷۸

ماخذ: یافته‌های تحقیق

به طور مستقیم و یا از طریق تاثیرگذاری بر کارایی اندازه دولت، بر تولید و رشد اقتصادی کشور مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- ۱) برادران شرکاء، حمیدرضا و سعید ملک الساداتی، حکمرانی خوب: کلید توسعه آسیای جنوب غربی، نشریه علوم سیاسی راهبرد، زمستان ۱۳۸۶ و بهار ۱۳۸۷، شماره ۴۶.
- ۲) تشکینی، احمد (۱۳۸۴)، اقتصادسنجی کاربردی به کمک مایکروفیت، موسسه فرهنگی دیباگران، تهران.
- ۳) حسینی، شمس الدین و همکاران (۱۳۹۲)، نقش و جایگاه دولت در اقتصاد از نظریه تا عمل، معاونت امور اقتصادی و دارایی.
- ۴) حیدری، حسن و همکاران (۱۳۸۹) رابطه بین اندازه دولت و رشد اقتصادی: مطالعه موردی کشورهای عضو اوپک حاشیه خلیج فارس، فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره ۷، شماره ۳.
- ۵) رضایی، مجید (۱۳۸۳)، جایگاه نهاد دولت در عرصه اقتصاد، فصلنامه اقتصاد اسلامی سال چهارم، شماره ۱۴.
- ۶) رفیعی، هادی و منصور زیبایی (۱۳۸۲)، اندازه دولت، رشد اقتصادی و بهره‌وری نیروی کار در بخش کشاورزی، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره پیاپی ۴۴-۴۳.
- ۷) سامتی، مرتضی و همکاران (۱۳۹۰) تحلیل تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی، مطالعه موردی کشورهای جنوب شرقی آسیا، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال اول، شماره چهارم.
- ۸) شفیع، افسانه و همکاران (۱۳۸۳)، آزمون تأثیر سیاست‌های مالی بر رشد اقتصادی، پژوهش نامه اقتصادی، شماره ۱۱.
- ۹) صادقی شاهدانی، مهدی و همکاران (۱۳۸۸)، اثر نقش حاکمیتی و تصدی‌گری دولت در اقتصاد بر توزیع درآمد به روش ARDL: مطالعه موردی ایران، فصلنامه اقتصاد مقداری، شماره ۶.
- ۱۰) صفدری، مهدی و فرشید پورشهبابی (۱۳۸۸)، اثر کسری بودجه دولت بر کسری تجاری در اقتصاد ایران، مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۹۳.

منفی و کوچکتر از یک بودن این ضریب نشان می‌دهد که عدم تعادل‌های کوتاه مدت به سمت تعادل بلندمدت حرکت می‌کنند. بنابراین، وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل نیز پذیرفته می‌شود. از آنجا که دوره زمانی در این مقاله سالانه است، می‌توان گفت در هر سال ۰/۱۹ از عدم تعادل‌های کوتاه مدت، برای دستیابی به تعادل بلند مدت تعدیل می‌گردد.

علاوه بر این ضریب اندازه دولت و کیفیت دولت در الگوی تصحیح خطا نیز مثبت و از لحاظ آماری معنی دار هستند، لیکن میزان اثر گذاری آنها بر تولید کمتر از الگوی بلندمدت می‌باشد.

۸. جمع‌بندی

مقاله حاضر به بررسی رابطه بین اندازه دولت (نسبت مخارج کل به تولید ناخالص داخلی) و کیفیت دولت (شاخص حکمرانی خوب) در ایران در دو دوره کوتاه مدت و بلندمدت مورد بررسی قرار گرفته است. مدل مدنظر تعمیمی از مدل منکیو- رومر و وایل است که به صورت تابع کاب داگلاس تعمیم یافته تصریح شده است. برای برآورد مدل اکتباس شده از روش ARDL و اطلاعات سال‌های ۱۳۶۸ الی ۱۳۹۱ استفاده شده است.

نتایج برآورد مدل نشان می‌دهد که در ایران رابطه مثبت و معنی داری بین اندازه دولت و تولید سرانه در بلندمدت و کوتاه مدت وجود دارد اما میزان تاثیرگذاری در بلندمدت بیشتر است. شایان ذکر است، از آنجا که برای محاسبه اندازه دولت از مخارج کل استفاده شده که مخارج سرمایه‌گذاری دولت را نیز شامل می‌شود، این نتیجه دور از انتظار نیست. لیکن از آنجا که این تاثیرگذار در بلندمدت بیشتر است، دولت می‌تواند با ایجاد سازوکارهایی در راستای کاهش تصدی‌ها، انگیزه بخش خصوصی جهت سرمایه‌گذاری را افزایش داده و به این ترتیب بسترهای لازم برای رشد اقتصادی در کوتاه مدت و استمرار آن در بلندمدت را فراهم آورد.

در خصوص کیفیت دولت نیز رابطه مثبت و معنی داری بین اندازه دولت و تولید سرانه در بلندمدت و کوتاه مدت وجود دارد، بدین معنا که هر چه دولت منطبق بر حکمرانی خوب و با کیفیت عمل کند، می‌تواند از طریق ایجاد فضای سیاسی و اقتصادی امن و با تکیه بر شفافیت اقتصادی و قانونی زمینه‌های سرمایه‌گذاری بیشتر و در نتیجه تولید بیشتر در کشور را فراهم نماید.

توصیه کاربردی برای تحقیقات آتی این است که به جای شاخص حکمرانی خوب، تاثیر سطوح مختلف کیفیت

یادداشت‌ها

IMusai, Maysam and Mehrara, Mohsen (2011), Investigating the Government Size and Quality's Contribution to Long-Run Economic Growth, American Journal of Scientific Research, ISSN 1450-223X, Issue 30, pp:104-112

۲ حیدری، حسن و همکاران (۱۳۸۹)، رابطه بین اندازه دولت و رشد اقتصادی: مطالعه موردی کشورهای عضو اوپک حاشیه خلیج فارس، فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره ۷، شماره ۳
۳ رضایی، مجید (۱۳۸۳)، جایگاه نهاد دولت در عرصه اقتصاد، فصلنامه اقتصاد اسلامی سال چهارم، شماره ۱۴

۴ صیاد زاده، علی و دیگران (۱۳۸۶)، بررسی رابطه بین اندازه دولت و رشد اقتصادی در ایران: برآورد منحنی آرمی، پیک نور، سال پنجم، شماره چهارم

5 Good Governance

۶ برادران شرکاء، حمیدرضا و سعید ملک الساداتی، حکمرانی خوب: کلید توسعه آسیای جنوب غربی، نشریه علوم سیاسی راهبرد، زمستان ۱۳۸۶ و بهار ۱۳۸۷، شماره ۴۶
۷ حسینی، شمس الدین و همکاران (۱۳۹۲)، نقش و جایگاه دولت در اقتصاد از نظریه تا عمل، معاونت امور اقتصادی و دارایی

8 Crowding Out

9 Doessel, DP & A Valadkhani (2003), The Effects of Government on Economic Growth in Fiji, Singapore Economic Review, Vol48, No 1

۱۰ کمیجانی، اکبر و پروانه سلاطین (۱۳۸۹)، تاثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب OECD و OPEC، فصلنامه مدلسازی اقتصادی، سال دوم، شماره ۲

۱۱ این مورد از شکست بازاری اگر چه مورد نظر کینز قرار داشت، به اندازه شکست در اشتغال منابع مورد تاکید وی نبود
12 Guseh, JS (1997) Government Size and Economic Growth in Developing Countries: A Political-economy Framework Journal of Macroeconomics, Vol19, No1

13 Baradarane Shoraka, H and Maleko Sadati, H (1387), The Effect of Good Governance on Economic Growth in Selected Countries, Rahbord Journal, 49, pp29-52

14 Anne Mette Kjar (2004) Governance, key concepts, pp:1-2

۱۵ سامتی، مرتضی و همکاران (۱۳۹۰) تحلیل تاثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی، مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال اول، شماره چهارم
16 Ram (1986)

17 Kormendi and Meguire (1986)

18 Carr (1989)

19 Cashin (1993)

20 Leen (1994)

21 Nourzad (2000)

22 Barro, R (1991), Economic Growth in a Cross Section of Countries, Journal of Economics, No106

23 Anti-Motivational Effects

24 Musai, Maysam and Mehrara, Mohsen (2011)

25 Cooray, A (2009) Government expenditure, governance and economic growth-Comparative Economic Studies, No51, Vol3

۱۱) صیاد زاده، علی و دیگران (۱۳۸۶) بررسی رابطه بین اندازه دولت و رشد اقتصادی در ایران: برآورد منحنی آرمی، پیک نور، سال پنجم، شماره چهارم.

۱۲) طاهری، حامد و میلاد صارم صفاری (۱۳۹۰)، بررسی رابطه بین نرخ ارز و شاخص قیمت بورس اوراق بهادار تهران: با استفاده از رویکرد ARDL، فصلنامه روند پژوهش‌های اقتصادی، سال نوزدهم، شماره ۶۰.
۱۳) گزارش اندازه دولت و رشد اقتصادی، دفتر بهبود تشکیلات و برنامه ریزی نیروی انسانی، معاونت امور مدیریت و منابع انسانی، اردیبهشت ۱۳۸۲.

۱۴) کمیجانی، اکبر و پروانه سلاطین (۱۳۸۹)، تاثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب OECD و OPEC، فصلنامه مدلسازی اقتصادی، سال دوم، شماره ۲.

۱۵) نوفرستی، محمد (۱۳۷۸)، ریشه واحد و همجمعی در اقتصادسنجی، موسسه خدمات فرهنگی رسا.

16) Anne Mette Kjar (2004) Governance, key concepts, pp:1-2.

17) Baradarane Shoraka, H. and Maleko Sadati, H. (1387), The Effect of Good Governance on Economic Growth in Selected Countries, Rahbord Journal, 49, pp.29-52.

18) Cooray, A (2009) Government expenditure, governance and economic growth-Comparative Economic Studies, No.51, Vol.3.

19) Doessel, D.P. & A. Valadkhani. (2003), The Effects of Government on Economic Growth in Fiji, Singapore Economic Review, Vol.48, No. 1.

20) Guseh, J.S. (1997). Government Size and Economic Growth in Developing Countries: A Political-economy Framework. Journal of Macroeconomics, Vol.19, No.1.

21) Easterly, W and Rebelo, S (1993), Fiscal Policy and Economic Growth: An Empirical Investigation, Journal of Monetary Economics, No.32.

22) Musai, Maysam and Mehrara, Mohsen (2011), Investigating the Government Size and Quality's Contribution to Long-Run Economic Growth, American Journal of Scientific Research, ISSN 1450-223X, Issue 30, pp:104-112.

26 Easterly, W and Rebelo, S (1993) *Fiscal Policy and Economic Growth: An Empirical Investigation*, *Journal of Monetary Economics*, No32

27 گزارش اندازه دولت و رشد اقتصادی، دفتر بهبود تشکیلات و برنامه ریزی نیروی انسانی، معاونت امور مدیریت و منابع انسانی، اردیبهشت ۱۳۸۲

28 Landau

29 Cameron

30 Engen and Skinner (1991)

31 Guesh (1997)

32 Folster and Henrekson (2001)

33 Amirkhalkhali (2002)

34 رفیعی، هادی و منصور زیبایی (۱۳۸۲)، اندازه دولت، رشد اقتصادی و بهره‌وری نیروی کار در بخش کشاورزی، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره پیاپی ۴۳-۴۴

35 شفیع، افسانه و همکاران (۱۳۸۳)، آزمون تاثیر سیاستهای مالی بر رشد اقتصادی، پژوهش نامه اقتصادی، شماره ۱۱

36 صادقی شاهدانی، مهدی و همکاران (۱۳۸۸)، اثر نقش حاکمیتی و تصدی‌گری دولت در اقتصاد بر توزیع درآمد به روش ARDL: مطالعه موردی ایران، فصلنامه اقتصاد مقداری، شماره ۶

37 Arusha V Cooray (2009)

38 Mankiw-Romer-Weil

39 قابل ذکر است، سطح اولیه تولید در این مدل به دلیل عدم دسترسی به شکل مناسب تابع تولید و محاسبه آن، صفر در نظر گرفته شده است

40 Augmented Dickey – Fuller Test

41 Pesaran and Shin (1999)

42 طاهری، حامد و میلاد صارم صفاری (۱۳۹۰)، بررسی رابطه بین نرخ ارز و شاخص قیمت بورس اوراق بهادار تهران: با استفاده از رویکرد ARDL، فصلنامه روند پژوهش‌های اقتصادی، سال نوزدهم، شماره ۶۰

43 Banerjee, Dolado and Mester (1992)

44 Error Correction Model (ECM)

45 تشکینی، احمد (۱۳۸۴)، اقتصادسنجی کاربردی به کمک میکروفیت، موسسه فرهنگی دیباگران، تهران

46 صفدری، مهدی و فرشید پورشهبابی (۱۳۸۸)، اثر کسری بودجه دولت بر کسری تجاری در اقتصاد ایران، مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۹۳

47 Schwarz-Bayesian

48 Hannan-Quinn

49 R-Bar-Squared

50 نوفرستی، محمد (۱۳۷۸)، ریشه واحد و همجمعی در اقتصادسنجی، موسسه خدمات فرهنگی رسا

51 Net Secondary Enrolment Ratio

52 لازم به یادآوری است که در روش خودبازگشت با وقفه‌های توزیعی، توجه به درجه تجمعی متغیرهای توضیحی چندان مهم نیست و تنها با تعیین وقفه‌های مناسب برای متغیرها می‌توان الگوی مناسب را مورد بررسی و برآورد قرار داد